

دکتر دیو متیوسون، ادبیات عهد جدید، سخنرانی ۸، ملکوت متی و تمایزات

© 2024 دیو متیوسون و تد هیلدبرانت

بسیار خوب، بیایید جلو برویم و برویم. بیایید با دعا شروع کنیم و سپس نگاه کردن به متی را به پایان می‌رسانیم، با تمرکز بر تعداد انگشت شماری از متن، عمدتاً فصل‌های ۲، ۳ و ۴، که عیسی را به عنوان تحقق داستان اسرائیل به تصویر می‌کشند، با کمی جزئیات نگاه کرده ایم. ما در میانه نگاه کمی به فصل‌های ۵ تا ۷ هستیم، اولین بلوک اصلی تعلیم عیسی، موعظه معروف روی کوه، و سپس به سرعت از آن عبور می‌کنیم و سپس می‌خواهیم آنچه را که در مورد متی متمایز است خلاصه کنیم.

برخی از موضوعات یا ایده‌هایی که متی بر آنها تأکید می‌کند که یا انجیل‌های دیگر این کار را نمی‌کنند یا حداقل به همان درجه‌ای که متی انجام می‌دهد نیستند چیست؟ چگونه، چه چیزی در مورد تصویر متی از عیسی متمایز است؟ متی چگونه عیسی را در انجیل‌هایش معرفی می‌کند؟ او در مورد او بر چه چیزی تأکید می‌کند؟ و سپس شاید به مارک نیز بروید، اگرچه در یادداشت‌های کلاس خود متوجه خواهید شد که من تعدادی سفر دارم. یک سفر وجود دارد که به نوعی دنباله خرگوش است. ما در مورد آن در متی صحبت خواهیم کرد.

می‌خواهم کمی در مورد موضوع ملکوت خدا صحبت کنم، که تمرکز اصلی تعلیم عیسی بود. در تمام انجیل‌ها، وقتی عیسی شروع به موعظه می‌کند، می‌گویند که برای تعلیم و موعظه ملکوت خدا آمده است. یعنی چه؟ عیسی وقتی آمد و پادشاهی خدا را موعظه کرد، چه تقدیم کرد؟ خوانندگان و اولین شنوندگان چگونه این را درک می‌کردند؟ در یک سفر، به نوعی در یک انحراف، کمی در مورد ملکوت خدا صحبت خواهیم کرد.

این از کجا می‌آید؟ عیسی فقط آن را درست نکرد و آن را از هوا برداشت. در واقع سابقه‌ای طولانی در پشت آن دارد که به عهد عتیق برمی‌گردد. بنابراین، ما به طور خلاصه به آن نگاه خواهیم کرد و سپس امیدواریم بتوانیم به مارک نیز برویم.

بسیار خوب، بیایید با دعا شروع کنیم، و سپس به انجیل متی برمی‌گردیم. ای پدر، دعا می‌کنم که تو بحث و تفکر ما را در مورد انجیل متی و سایر کتاب‌های عهد جدید که ما در نظر می‌گیریم، هدایت کنی. خداوندا، من دعا می‌کنم که تو به ما کمک کنی تا آنها را با وضوح بیشتری در زمینه اصلی خود درک کنیم و بنابراین بتوانیم بفهمیم که چگونه آنها امروز به عنوان کلام تو به مردم خود امروز با ما صحبت می‌کنند. به نام عیسی، ما دعا می‌کنیم. آمین.

ما به موعظه روی کوه در متی ۵-۷ نگاه کردیم، که در آن گفتیم یکی از ویژگی‌های بارز متی این است که متی انجیل خود را تقسیم می‌کند یا انجیل خود را حول پنج سخنرانی اصلی یا بلوک‌های آموزشی عیسی ساختار می‌دهد.

در یک لحظه دیگر به آن باز خواهیم گشت. یکی از اولین بلوک‌های آموزشی و شاید شناخته شده‌ترین آنها موعظه روی کوه است، چیزی که ما آن را موعظه روی کوه می‌نامیم. ما کمی در مورد کاری که عیسی در آن انجام می‌داد صحبت کردیم.

یکی از دیدگاه‌های رایج موعظه روی کوه این است که ما را به آخرین موضوعی می‌رساند که می‌خواهم در رابطه با موعظه در مورد آن صحبت کنم، یعنی آیا باید موعظه را از نظر قانون در برابر فیض درک کنیم؟

یعنی، اغلب به عنوان مسیحیان، ما تمایز واضحی بین قانون و مطالبه، یعنی اطاعت، قائل می شویم، کاری که ما در مقابل فیض خدا انجام می دهیم. این چیزی است که خدا به ما می دهد یا می دهد. بنابراین، آیا موعظه روی کوه تماما در مورد قانون است و کاملا عاری از فیض خدا است؟ دوباره، وقتی خطابه را می خوانید، این لیست از چیزهایی را می بینید که عیسی شروع به گفتن آنها می کند.

شنیده اید که گفته شده است، قتل نکنید، اما من به شما می گویم اگر کسی از دشمنش متنفر باشد، گناهکار هستید، گویی مرتکب قتل شده اید و این ادامه می یابد و به شما دستوراتی می دهد که از برخی جهات شبیه آنچه در عهد عتیق می یابد است. بنابراین، برخی پاسخ داده اند، خوب موعظه روی کوه واقعا در مورد قانون است و انجیل محبت خدا و فیض او را بسیار کم دارد، و بنابراین مردم در مورد اینکه ما با موعظه روی کوه چه کنیم، که به نظر می رسد بسیار شبیه یک خواسته در قانون است، کمی شبیه قانون اسرائیل است، تلاش کرده اند. و یک پاسخ این است، خوب موعظه روی کوه عمدتا به ما نشان می دهد که ما کوتاهی می کنیم.

بنابراین، شریعت به عنوان یک چوب اندازه گیری است که به ما نشان می دهد که نمی توانیم اندازه گیری کنیم و بنابراین ما را به فیض خدا سوق می دهد. بنابراین، کارکرد اصلی موعظه روی کوه اشاره ای است که ما را به فیض خدا و اعتماد به مسیح و فیض خدا نشان می دهد و نه به توانایی خودمان، زیرا شریعت به ما نشان می دهد که نمی توانیم اندازه گیری کنیم و نمی توانیم آن را حفظ کنیم. و بنابراین، شریعت عمدتا وجود ندارد تا به ما نشان دهد که خدا چیست، به مسیحیان آموزش دهد که چگونه زندگی کنند، بلکه به این معنی است که شکست ها و گناه ما را نشان دهد و بنابراین ما را به عیسی مسیح راهنمایی کند و خودمان را به رحمت و فیض او ببندازیم.

با این حال، من متقاعد شده ام که این روش نادرستی برای خواندن موعظه روی کوه است. بله، به یک معنا، به یک معنا، تمام کتاب مقدس گاهی اوقات نشان می دهد که ما به تنهایی و با منابع و تلاش های خودمان نمی توانیم امیدوار باشیم که اندازه گیری کنیم و باید به فیض خدا و توانمندی او تکیه کنیم تا نوع زندگی را که او می خواهد داشته باشیم. خدا، به عنوان یک متکلم مشهور در گذشته، خدا آنچه را که می خواهد می دهد.

اما وقتی موعظه روی کوه را می خوانید، اولین چیزی که باید تشخیص دهید این است که ما کمی در مورد این موضوع با زمینه موعظه صحبت کردیم، این است که به یاد داشته باشید که موعظه روی کوه در چارچوب تعالیم عیسی در مورد ملکوت می آید. یعنی ملکوت خدا، که بعدا به آن خواهیم پرداخت، اما ملکوت یا سلطنت یا حکومت خدا در حال حاضر یک واقعیت کنونی است که مردان و زنان می توانند وارد آن شوند و در پاسخ به عیسی مسیح شرکت کنند و تجربه کنند تا موعظه روی کوه، قبل از هر چیز، فرض کند که پادشاهی خدا و حکومت او فرا رسیده است. بنابراین، این است که این دستورالعمل ها را باید در چارچوب درک کرد، اینها دستورالعمل هایی برای کسانی است که سلطنت خدا و حکومت خدا را با پاسخ دادن به عیسی مسیح تجربه کرده اند.

به این معنا که آنها قدرت دگرگون کننده ملکوت خدا و سلطنت او را در زندگی خود تجربه کرده اند. نکته دیگر این است که وقتی قبل از اینکه عیسی شروع به فرمان کند، اگر بخواهیم از آن کلمه استفاده کنیم و سبک زندگی خاصی را از قوم خدا بخواهیم، اگر موعظه روی کوه را به یاد داشته باشید با مجموعه ای از آنچه در فصل 5 سعادت نامیده ایم آغاز می شود. بنابراین، عیسی، قبل از اینکه وارد شود، این چیزی است که من از قوم می خواهم، او با گفتن شروع می کند، خوشا به حال فقرا در روح زیرا ملکوت آسمان از آن آنهاست. خوشا به حال کسانی که عزاداری می کنند زیرا تسلی خواهند یافت.

خوشا به حال فروتن ها زیرا که زمین را به ارث خواهند برد. خوشا به حال آنانی که گرسنه و تشنه پرهیزکاری هستند زیرا سیر خواهند شد. و چندین مورد دیگر از آنها وجود دارد.

اما چیزی که می خواهیم روی آن تمرکز کنم این است که بسیار جالب است که عیسی از این طریق شروع می کند. قبل از اینکه او به دستورات برسد، چرا باید با گفتن این جمله شروع کند، خوشا به حال فقرا در روح، زیرا ملکوت آسمان از آن آنهاست. خوشا به حال کسانی که عزاداری می کنند زیرا تسلی خواهند یافت.

خوشا به حال کسانی که گرسنه و تشنه عدالت هستند. چرا عیسی از این طریق شروع می کند؟ درک این نکته مهم است که وقتی متی در ثبت سخنان عیسی می گوید، خوشا به حال فقرا در روح، ایده فقیر در روح این است که فرد از نظر روحی در برابر خدا فقیر می ایستد. یعنی تصویری از کسی است که از نظر اخلاقی، اخلاقی و معنوی در برابر خدا ورشکسته است.

آنها مطلقاً چیزی برای ارائه به او ندارند. آنها به همان روشی ایستاده اند که کسی که از نظر جسمی فقیر است مطلقاً هیچ منابعی در سطح فیزیکی ندارد. کسی که از نظر روحانی فقیر است، ورشکستگی منابع خود را در برابر خدا تشخیص می دهد.

و بعد جالب است، مورد بعدی این است، خوشا به حال کسانی که عزادار هستند. اکنون، درک این موضوع با توجه به زمینه عهد عتیق مهم است. اگر بتوانید به برخی از متون عهد عتیق فکر کنید، شاید به برخی از آنها در کلاس عهد عتیق نگاه کنید، معمولاً زمینه عزاداری در عهد عتیق چه بوده است؟ به خصوص بسیاری از پیامبران اغلب قوم خدا را به عزاداری فرا می خواندند.

چرا؟ به عبارت دیگر، آیا این فقط یک غم و اندوه عمومی است که من مورد آزار و اذیت قرار می گیرم یا فقط به این دلیل که زندگی من، می دانید، به اطراف نگاه می کنم و زندگی وحشتناک است یا عزیزانم را از دست داده ام و بنابراین زندگی عادلانه به نظر نمی رسد، بنابراین عزادار می شوم و گریه می کنم زیرا غمگین هستم. همین؟ در عهد عتیق، اغلب زمینه عزاداری چه بود؟ درسته، تحقق جدایی از خدا. دقیقاً حق با شماست.

و معمولاً چه چیزی باعث آن می شود؟ چه چیز؟ دوباره بگویید؟ آه بله، گناه اسرائیل. بنابراین سوگواری، دقیقاً حق با شماست. عزاداری پاسخی به گناه و در نتیجه جدایی از حضور خدا بود.

بنابراین، وقتی پیامبران اسرائیل را به عزاداری فرا می خوانند، این پاسخ سوگواری و توبه به دلیل گناه است. بنابراین، عزاداری در اینجا فقط غم و اندوه عمومی نیست. فراخوان سوگواری در اینجا فراخوانی به توبه به دلیل گناه است.

و سپس جالب است که مورد بعدی، کسانی که گرسنه و تشنه عدالت هستند سیر خواهند شد. بنابراین، شما همه اینها را کنار هم قرار دهید، موعظه روی کوه فرض می کند که کسی که ورشکستگی اخلاقی خود را در برابر خدا تشخیص می دهد، که هیچ منبع و منابع معنوی ندارد. آنها برای گناه سوگواری می کنند و گناه خود را تشخیص می دهند و با توبه و سوگواری پاسخ می دهند.

اما بعد از آن گرسنه و تشنه عدالت می شوند و خدا آنها را سیر خواهد کرد. و بعد موعظه روی کوه می آید. بنابراین، موعظه روی کوه به دور از یک خواست یا قانونی است که بر قوم خدا تحمیل می شود، بلکه صرفاً به این معنی است که نشان دهد آنها کوتاهی می کنند، اگرچه می تواند این کار را انجام دهد.

این چیزی بیش از یک اخلاق برای بهبود جامعه است. در عوض، این اخلاقی است که مسیح از کسانی که قدرت دگرگون کننده ملکوت خدا را تجربه کرده اند، می خواهد. برای کسانی که در زندگی خود وارد سلطنت خدا شده اند، موعظه روی کوه نشان می دهد که از آنها چه انتظاری می رود.

با این حال، در عین حال، این یادآوری است که کسانی که وارد سلطنت خدا شده اند کسانی هستند که تشخیص می دهند از نظر روحانی ورشکسته هستند، که به تنهایی هیچ منابعی ندارند، آنها عزاداری می کنند زیرا در گناه کوتاهی می کنند، با این حال گرسنه و تشنه عدالتی هستند که عیسی در موعظه روی کوه بیان می کند. و وقتی این کار را انجام می دهند، خدا آنها را پر می کند. بنابراین موعظه روی کوه، دوباره، فقط یک خواسته نیست که از ما انتظار می رود به آن عمل کنیم و نشان دهیم که کوتاهی می کنیم، اما در عوض، این یک خواسته است، بلکه درخواستی است که خدا فراهم می کند.

خداوند توانایی برآورده کردن این تقاضا را فراهم می کند. نوع سبک زندگی که از کسانی که به ملکوت خدا تعلق دارند و وارد می شوند انتظار می رود. و در ادامه بیشتر در مورد منظور ما از ملکوت خدا صحبت خواهیم کرد.

بنابراین، وقتی موعظه روی کوه را می خوانید، این یک اخلاق ایده آل نیست که هیچ نتواند به آن عمل کند. این فقط به ما نشان نمی دهد که ما کوتاهی می کنیم، بلکه در عوض، این طرح خدا برای نحوه زندگی قومش است که به پادشاهی او تعلق دارند. اما فرض بر این است که کسانی که ناتوانی خود را تشخیص می دهند، و در عوض، گرسنه و تشنه عدالتی هستند که فقط خدا در نهایت می تواند آن را فراهم کند.

بسیار خوب. در واقع، من می خواهم به بخش بعدی پردازم، که کمیسیون بزرگ است. ما در پایان متی کمی در مورد آن صحبت کردیم.

و همانطور که قبلاً گفتم، در مورد مأموریت بزرگ، اساساً مأموریت بزرگ برای بقیه متی اینگونه مناسب است. اگر همه آنچه متی تا کنون درباره عیسی گفته است، که اگر عیسی به راستی پسر داوود است، و او به راستی پسر خدا، مسیح و مسیح موعود است، و اگر آنچه متی درباره امتها گفته است نیز درست است، اگر عیسی به عنوان مسیح نه فقط برای یهودیان، بلکه برای غیریهودیان آمده است، سپس مأموریت بزرگ به دنبال آن می آید. نتیجه می شود که عیسی پس می گوید، پس بروید همه ملت ها، نه فقط اسرائیل، بلکه همه ملت ها را شاگرد کنید، و آنها را به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید دهید و به آنها بیاموزید که شریعت موسی را انجام ندهند، بلکه تمام آنچه را که من به شما فرمان داده ام انجام دهند.

بنابراین اگر همه چیزهایی که متی در مورد عیسی می گوید درست است، پس بر پیروان عیسی واجب است که در این مأموریت جهانی شرکت کنند که شاگردان همه ملت ها را می سازد، آنچه را که خود عیسی بر روی زمین آغاز کرد، تحقق بخشد، یعنی خود را به عنوان پادشاه مسیح موعود در تحقق عهد عتیق معرفی کند، اما نه فقط برای یهودیان، اما برای غیریهودیان نیز. و ما دیدیم که به همین دلیل است که عیسی مسیح در همان ابتدای انجیل، به همین دلیل است که عیسی نه تنها پسر داوود بلکه پسر ابراهیم نیز خوانده شد، کسی که از طریق او تمام ملت های زمین برکت خواهند یافت. اکنون وعده ای که به ابراهیم داده شده است در مأموریت بزرگ محقق می شود، جایی که به پیروان عیسی گفته می شود که همه ملت ها را شاگرد کنند، تا این برکت را از پیدایش فصل 12 به ابراهیم برسانند که به همه ملت ها برسد.

اکنون این از طریق عیسی و پیروانش در این به اصطلاح مأموریت بزرگ انجام می شود. بنابراین، با توجه به آنچه تاکنون دیده ایم، و دوباره، ما به برخی از تأکیدات اصلی متی نگاه کرده ایم، ما به چند متن با جزئیات نگاه کرده ایم، به نظر می رسد هدف متی چیست؟ منظوری این است که چرا متیو در وهله اول نشست و این کتاب را نوشت؟ اول از همه، مهم است که بدانیم متی انجیل متی است، اگرچه برخی از آنها وجود دارد،

اما اختلاف نظر وجود دارد، زیرا مشکل این است که متی هرگز بیرون نمی آید و به ما نمی گوید که چرا می نویسد. او خوانندگان خود را شناسایی نمی کند.

بنابراین، کمی حدس و گمان وجود دارد. ما باید به نوعی نقش یک کارآگاه را در خواندن متیو و آنچه می توانیم در مورد قرن اول بدانیم، بازی کنیم. ما سعی می کنیم تصویری قابل قبول از اینکه چرا متی این را نوشت جمع آوری کنیم.

به احتمال زیاد، متی برای مسیحیان یهودی نوشته شده است. یعنی افرادی که از یهودیت، میراث یهودی خود بیرون آمده اند و اکنون به شخص عیسی مسیح پاسخ داده اند. با این حال، زمانی که متی نوشته شد، در این زمان، ممکن است این شکاف شدید بین یهودیان غیر مسیحی و یهودیان مسیحی، کسانی که با ایمان به عیسی مسیح به عنوان پسر داوود پاسخ داده اند، و کسانی که پاسخ نداده اند، وجود نداشته باشد.

گروه هایی مانند فریسیان و اسنی ها، بسیاری از آن گروه هایی که ما به آنها نگاه کردیم. بنابراین احتمالاً در این مرحله هنوز شکاف شدیدی بین یهودیان غیر مسیحی و یهودیان مسیحی وجود نداشت. و بنابراین، ممکن است بسیاری از یهودیان مسیحی در قرن اول هنوز در کنیسه یهودی در کنار دوستان و خانواده های یهودی خود عبادت می کردند، در حالی که آنها نیز ممکن است با کلیسا عبادت می کردند، این چیز جدیدی که ما آن را مسیحیت می نامیم.

اما در این مرحله، مسیحیت ممکن است هنوز به شدت از یهودیت متمایز نشده باشد. بنابراین، به این فکر کنید. اگر داشته باشید، خوانندگان متی ممکن است مسیحیان یهودی بوده باشند که هنوز با کنیسه و یهودیان غیر مسیحی ارتباط داشتند.

با این حال، یک سوال وجود داشت، یک سوال در مورد هویت وجود داشت. به یاد داشته باشید که گفتیم یکی از سوالاتی که در قرن اول پرسیده شد این بود که قوم خدا بودن به چه معناست؟ قوم واقعی خدا چه کسانی هستند؟ و به این روش به آن فکر کنید. برخی از یهودیان غیر مسیحی ممکن است این سوال را مطرح کرده باشند که آیا این یهودیانی که اکنون به عیسی مسیح پاسخ داده اند و اکنون در کلیسا نیز عبادت می کنند، ممکن است تعجب کرده باشند و سعی کرده اند بحث کنند که آیا آنها واقعا قوم خدا هستند یا خیر.

علاوه بر این، مشکل این بود که کلیسا احتمالاً بیشتر و بیشتر غیریهودی می شد. بنابراین، ممکن است سوخت بیشتری به آتش اضافه کرده باشد. بنابراین، یهودیان غیر مسیحی می گویند، شما یهودیانی که به عیسی مسیح موعود ایمان دارید و با کلیسا عبادت می کنید، شما واقعا قوم خدا نیستید.

زیرا ببینید، شما نیز بیشتر و بیشتر غیریهودی می شوید. و بنابراین، متیو در کجا قرار می گیرد؟ متی، من فکر می کنم یکی از دلایل اصلی نوشتن متی این است که قبل از هر چیز، مسیحیان و مسیحیان یهودی را تشویق کند تا ایمان خود را به عیسی مسیح حفظ کنند. اما همچنین برای توضیح این است که چرا کلیسا بیشتر و بیشتر غیریهودی می شود.

و اینجاست که همه این داستان ها وارد می شوند. مردان خردمند را به خاطر دارید؟ چرا متی این ستاره شناسان خارجی، این غیریهودیان را دارد که برای پرستش عیسی آمده اند؟ چرا متی از عیسی می گوید که همه ملت ها را شاگرد کنید؟ از آنجا که او اینها را یادآوری می کند، متی به این مسیحیان یهودی یادآوری می کند، که به یک معنا با سایر یهودیان اختلاف دارند، و شاید به دلیل ایمانشان به عیسی مسیح مورد انتقاد قرار می گیرند، و به این دلیل که به این کلیسا تعلق دارند که غیریهودی تر می شوند. حالا متی می نویسد تا بگوید، خوب نگاه کنید، آیا خود عیسی برای گنجاندن غیریهودیان آماده نشد؟ بنابراین، این واقعیت که کلیسا بیشتر و بیشتر غیریهودی است نباید شما را شوکه کند.

این بدان معنا نیست که شما نامشروع هستید و واقعا قوم خدا نیستید. شما هستید. خود عیسی اشاره کرد و راه را برای گنجاندن غریبه‌ودیان باز کرد.

بنابراین، به یک معنا، این تأکید بر غریبه‌ودیان در متی شاید به نوعی عذرخواهی و عذرخواهی متی باشد تا نشان دهد که خود عیسی تعلیم داد که کلیسا غریبه‌ودی خواهد شد. بنابراین، مسیحیان یهودی می‌توانند ایمان خود را به عیسی مسیح حفظ کنند. این به معنای تشویق شاگردی و اطاعت از مسیح است، اما این در پاسخ به احتمال انتقاد مسیحیان یهودی است، یا هویت آنها توسط یهودیانی که باز هم در مورد این یهودیان مسیحی تعجب می‌کنند و چرا به عیسی مسیح روی آورده‌اند، زیر سوال می‌رود، و چرا کلیسا اینقدر غریبه‌ودی می‌شود؟ خوب، متی به این سوال پاسخ می‌دهد، زیرا این چیزی است که عیسی پیش بینی کرده بود، زیرا عیسی تعلیم داد که کلیسا خواهد شد و گروه پیروانش شامل غریبه‌ودیان خواهند بود.

بنابراین، متی می‌نویسد تا توضیح دهد که چرا کلیسا در حال غریبه‌ودی شدن است، و آنها را تشویق می‌کند تا آنها را به شاگردی و اطاعت در پیروی از عیسی مسیح ترغیب کند، حتی با وجود درگیری با سایر یهودیان غیر مسیحی. حال، چرا، یا چه می‌کند، با توجه به آن، متی چیست، برخی از موضوعات مهم دیگر در متی چیست، متی بر چه چیزی تأکید می‌کند که یا انجیل‌های دیگر این کار را نمی‌کنند، یا حداقل نه به همان میزانی که انجیل‌های دیگر انجام می‌دهند؟ حالا، این همه چیزی نیست که متیو بر آن تأکید می‌کند. چیزهایی وجود دارد که متی می‌گوید و تأکید می‌کند که انجیل‌های دیگر انجام می‌دهند، و این به همان اندازه مهم است، اما من می‌خواهم عمده‌ها بر ایده‌های کلیدی تمرکز کنم که به نظر می‌رسد متی بر آنها تأکید می‌کند و شما در انجیل‌های دیگر تأکید نمی‌کنید، یا حداقل به همان اندازه تأکید می‌کنید.

بنابراین، اول از همه، عیسی متی. یکی از بارزترین ویژگی‌های پرتنه متی از عیسی، همانطور که قبلاً دیدیم، این است که متی عیسی را به عنوان مسیح یا مسیح موعود به تصویر می‌کشد. به این معنا که عیسی به وضوح به عنوان مسیح موعود به تصویر کشیده شده است، در دودمان داوود، در تحقق وعده‌هایی که خدا به داوود داده است، تا دوم سموئیل 7 در عهد عتیق.

بنابراین، با شروع دوم سموئیل 7، این انتظار وجود دارد که تا پیامبران ادامه می‌یابد، که خدا به وعده خود به داوود عمل کند و یکی از فرزندان داوود بر تخت سلطنت بنشینند و بر اسرائیل حکومت کند، اما بر تمام زمین. متی اکنون روشن می‌کند که عیسی پسر موعود داوود است. باز هم به همین دلیل است که انجیل از عیسی مسیح، پسر داوود، مسیح، پسر داوود، پسر ابراهیم آغاز می‌شود.

بنابراین، عیسی مسیح است، یعنی منظور ما از مسیح این است که حداقل در متی، این نام دوم عیسی نیست. نام کوچک او عیسی است، نام خانوادگی او مسیح است. حداقل در متی، در بیشتر موارد، مسیح عنوانی است که نشان می‌دهد او مسیح موعود است، او پسر داوود است.

دوم، عیسی به عنوان پسر خدا در تعدادی از مکان‌های منحصر به فرد به تصویر کشیده شده است. این احتمالاً همچنین عنوان پسر خدا احتمالاً نشان می‌دهد که عیسی مسیح موعود است، اما همچنین نشان دهنده رابطه منحصر به فرد او با پدر است. عیسی پسر واقعی خداست.

او در یک رابطه منحصر به فرد با پدر قرار دارد، اما احتمالاً نشان می‌دهد که او مسیح موعود است. در جاهای کلیدی در سراسر متی، عیسی در سراسر متی به عنوان پسر خدا برجسته زده می‌شود یا خطاب می‌شود. عیسی عهد عتیق را به انجام می‌رساند.

من نباید فقط شریعت را بگویم، بلکه باید کل عهد عتیق را بگویم، بلکه به طور خاص شریعت را بگویم. به یاد داشته باشید، متی فصل 5 و 17، زمانی که عیسی می گوید، من نیامده ام تا شریعت را لغو کنم، بلکه برای انجام آن آمده ام. متی در درجه اول به این معنی نیست که عیسی مسیح به طور کامل از آن اطاعت کرد، اگرچه او این کار را کرد.

منظور متی این است که عیسی به عنوان تحقق به آن رسید، یعنی شریعت، آنچه شریعت واقعا به سمت آن حرکت می کرد و به آن اشاره می کرد و پیش بینی می کرد، اکنون سرانجام با شخص عیسی مسیح به دست می آید. شخص و تعالیم خود عیسی هدف واقعی شریعت عهد عتیق و کل عهد عتیق است. پس چرا متی به یاد می آورد که ما در فصل 2 دیدیم که عیسی به عنوان موسی جدید به تصویر کشیده شده است؟

او به عنوان اسرائیل به تصویر کشیده شده است. او به عنوان نوری برای جهان، برای ملت ها از اشعیا به تصویر کشیده شده است. متیو چه کار می کند؟ او نشان می دهد که همه این رشته های عهد عتیق اوج خود را در شخص عیسی مسیح پیدا می کنند.

و از این نظر، او آن را انجام می دهد. بنابراین، متی می خواهد روشن کند، و این یکی از دلایلی است که متی اولین کتاب عهد جدید مناسبی است زیرا واضح ترین ارتباط را با عهد عتیق دارد. زیرا متی می خواهد روشن کند که باز هم عهد عتیق داستانی ناقص است.

و اکنون انجیل متی داستان را با نشان دادن اینکه عیسی آخرین فصل و اوج و نتیجه گیری و تحقق داستان و تمام داستان هایی است که در عهد عتیق آغاز شده است، به پایان می رساند. بنابراین به همین دلیل است که عیسی پسر داوود است. او پسر ابراهیم است.

او یکی بزرگتر از موسی است. او اسرائیل جدید است. جایی که اسرائیل شکست خورد، عیسی اکنون موفق شد.

او بزرگتر از یونس است. او بزرگتر از سلیمان است. بارها و بارها، متی از شما می خواهد که به این نکته برسید که عیسی اوج است و از تمام داستان های عهد عتیق پیشی می گیرد.

همه آنها نتیجه گیری و اوج خود را در شخص مسیح می یابند. بنابراین، عیسی شریعت عهد عتیق را انجام می دهد، اما همچنین کل عهد عتیق را نیز انجام می دهد. ما قبلا دیدیم که عیسی به عنوان موسی جدید به تصویر کشیده شده است.

برخی از محققان فکر می کنند، می دانید، چرا عیسی همیشه برای تعلیم به کوه می رود؟ در موعظه روی کوه در فصل 5، عیسی از کوه بالا می رود. لوک نمی گوید که از کوه بالا رفته است. این بدان معنا نیست که او این کار را نکرده است، اما متیو آن را روشن می کند.

مأموریت بزرگ، در پایان فصل، عیسی به شاگردانش کجا می گوید که او را ملاقات کنند؟ بر روی کوهی که ممکن است موسی را به یاد بیاورد که از کوه سینا بالا می رفت تا وحی خدا، شریعت او را که به مردم می داد، دریافت کند. بنابراین، عیسی، متی، می خواهد عیسی را مانند موسی نشان دهد، اما بزرگتر از موسی. ما در فصل 2 شباهت هایی را دیدیم که عیسی از یک پادشاه فرار کرد و همه بچه های پسر را کشت.

بنابراین، متی به وضوح می خواهد عیسی را به عنوان یک موسی جدید معرفی کند. به نظر می رسد متی می خواهد عیسی را نیز به عنوان یک معلم خردمند معرفی کند. به یاد داشته باشید که گفتیم متی به پنج بلوک اصلی گفتمان تقسیم شده است.

به نظر می‌رسد متی می‌خواهد عیسی را به عنوان یک معلم به تصویر بکشد. و بنابراین، جای تعجب نیست که شما به پایان انجیل می‌رسید و عیسی دوباره می‌گوید، آنها را تعمیم می‌دهد و به آنها می‌آموزد که تمام آنچه را که به شما فرمان داده ام انجام دهند. و چیزهایی که او به آنها دستور داده است این پنج بلوک آموزش در سراسر کتاب متی است.

فکر می‌کنم این آخرین مورد است. پس آنها پنج هستند. باز هم، چیزهای دیگری نیز وجود دارد که متی در مورد عیسی می‌گوید، اما به نظر می‌رسد که اینها به نوعی تأکیدات متمایز در تصویر متی از عیسی هستند.

و خواهیم دید، در مقایسه، خواهیم دید که سایر نویسندگان انجیل چگونه عیسی را به تصویر می‌کشند. موضوع مهم دیگر این است که ما قبلاً کمی در مورد تحقق عهد عتیق صحبت کرده ایم. دوباره، عیسی در متی به عنوان کسی به تصویر کشیده شده است که اوج و تحقق تمام عهد عتیق است، نه فقط پیشگویی‌های مستقیم.

احتمالاً اکثر ما وقتی عهد جدید را می‌خوانیم، فکر می‌کنیم که عیسی عهد عتیق را زمانی که عهد عتیق در مورد او پیشگویی می‌کند، به انجام می‌رساند. اما اینطور نیست. حتی در بخش‌هایی از عهد عتیق که پیشگویی نمی‌کنند، عیسی هنوز آنها را محقق می‌کند.

زیرا دوباره، متی، با توجه به آمدن مرگ و رستاخیز عیسی، متی به عقب برمی‌گردد و عهد عتیق را می‌خواند و می‌بیند که چگونه همه این رشته‌ها و تکه‌ها و قطعات و اجزاء و اشخاص عهد عتیق در نهایت تکرار و اوج خود را در شخص عیسی مسیح می‌یابند. باز هم، پس متی چگونه می‌تواند بگوید که عیسی شریعت را به انجام می‌رساند؟ قانون پیشگویی نبود. آمدن مسیح را پیش بینی نمی‌کرد.

اما در عین حال، سبک زندگی و ایده آل واقعی که قانون عهد عتیق پیش بینی می‌کرد و سعی در رسیدن به آن داشت، در تعالیم و زندگی عیسی به اوج خود رسید. از این نظر، عیسی مسیح را می‌توان در عهد عتیق به انجام رساند. منظور ما از تحقق این است که عیسی هدفی است که عهد عتیق به آن اشاره کرده است.

در این صورت، او آن را انجام می‌دهد. بنابراین، عیسی عهد عتیق را به انجام می‌رساند. ملکوت خدا و ملکوت آسمان یکی دیگر از موضوعات غالب در کتاب متی است.

من اکنون به نوعی فراتر از این هستم. ما فقط در یک لحظه کمی در مورد ملکوت خدا صحبت خواهیم کرد. اما عیسی، به ویژه در متی، عیسی در همان ابتدا می‌آید و ملکوت خدا را موعظه می‌کند.

و ما می‌خواهیم در مورد این صحبت کنیم که این به چه معناست؟ چرا عیسی آمد و ملکوت خدا را موعظه کرد و ملکوت خدا را تقدیم کرد؟ منظورش از این حرف چه بود؟ شنوندگان او چه انتظاری داشتند؟ در نهایت، موضوع شاگردی. یکی از ویژگی‌های کلیدی متی این است که عیسی آماده می‌شود و عیسی پیش بینی می‌کند و برای گروهی از پیروان آماده می‌شود که مأموریت او را تداوم می‌بخشند. و این در پایان بسیار روشن است، مأموریت بزرگ، وقتی که به شاگردانش می‌گوید که بروند و همه ملت‌ها را شاگرد کنند، آنها را تعمیم دهند و به آنها آموزش دهند.

بنابراین، متی عیسی را به عنوان آماده سازی و تدارک گروهی از پیروان به تصویر می‌کشد که در اطاعت از عیسی پاسخ می‌دهند و مأموریت او را تداوم می‌بخشند. اکنون بسیار مهم است که بدانیم آنچه در اینجا می‌گذرد عیسی است، با این موضوع شاگردی و عیسی برای گروهی از پیروان که در اطاعت از او پیروی می‌کنند، که به نوعی در جوهر شاگردی است، عیسی در حال تعریف مجدد معنای قوم خدا است. دوباره، شما

به این فکر می کنید که تا زمان ورود عیسی و تعالیم او و مرگ و رستاخیز او، اکثر مردم در قرن اول و قبل از آن، با توجه به آنچه که ما در برخی از مسائل تاریخی که در اوایل این ترم به آنها پرداختیم، چگونه به این سوال پاسخ می دهند، بیشتر مردم چه می کنند، چگونه به این سوال پاسخ می دهند، تعلق داشتن به قوم خدا به چه معناست؟ آنها احتمالاً چگونه به این سوال پاسخ می دادند؟ و حتی اگر از آنها پرسیده می شد که پیرو بودن به چه معناست، تعلق به مسیح به چه معناست؟ اکثر مردم، به ویژه پیروان یهودی، چگونه به این سوال پاسخ می دادند؟ به خصوص با توجه به برخی از نظرسنجی هایی که ما به آنها نگاه کرده ایم، تاریخ، سیاست و فرهنگ منتهی به عهد عتیق.

بله، اساساً برای زندگی به عنوان یک یهودی و موسی. شریعت موسی، همانطور که بعداً در برخی از نوشته های پولس خواهیم دید، شریعت موسی اغلب به عنوان یک نشانگر هویت عمل می کرد، مرزی که شما را از سایر ملت ها، غیریهودیان، متمایز می کرد و شما را به عنوان قوم خدا متمایز می کرد. بنابراین، در قرن اول، اگر از شما پرسیده شود، قوم خدا بودن به چه معناست؟ قوم واقعی خدا چه کسانی بودند؟ و حتی چه کسانی خواهند بود، پیروان عیسی چه کسانی بودند؟ اکثر آنها پاسخ می دادند که این کسانی هستند که شریعت موسی را حفظ می کنند و از نظر قومی با ملت یهود شناخته می شوند.

اکنون عیسی می آید و این را درک می کند، این بخشی از دلایلی است که متی عیسی را به عنوان اسرائیل واقعی معرفی می کند. اکنون عیسی می آید و آن را دوباره تعریف می کند. از آنجایی که عیسی اسرائیل واقعی است، او یکی است، دوباره، ما به تعمید عیسی و وسوسه او نگاه می کنیم، عیسی در واقع تاریخ اسرائیل را تمرین می کرد.

به عنوان اسرائیل واقعی، اکنون چگونه به این سوال پاسخ دهیم؟ تعلق به قوم خدا و عیسی به معنای پاسخ دادن به عیسی است. این بدان معناست که دیگر محدود به یهودیان نیست. تعلق به قوم خدا دیگر با اطاعت از شریعت یا همذات پنداری با یهودیان پاسخ داده نمی شود.

اکنون فقط در رابطه با عیسی مسیح تعیین و تعریف شده است. پس دوباره، در نوعی یهودیت عهد عتیق، قوم واقعی خدا چه کسانی هستند؟ قوم خدا بودن به چه معناست؟ پیروی از مسیح موعود اطاعت از شریعت و تعلق قومی و جسمی به ملت یهود است. اکنون عیسی به عنوان اسرائیل واقعی، که سرنوشت اسرائیل و کل عهد عتیق را به انجام رسانده است، اکنون او آن را دوباره تعریف می کند.

حالا باید این سوال را بپرسیم که تعلق داشتن به قوم خدا به چه معناست؟ پیروان واقعی مسیح چه کسانی هستند؟ دیگر کسانی نیستند که از قانون اطاعت می کنند یا یهودی هستند. اکنون این هر کسی است که به اسرائیلی واقعی، اسرائیل واقعی، عیسی مسیح پاسخ می دهد. هر کسی که به عیسی پاسخ دهد، اکنون به قوم واقعی خدا تعلق دارد و اسرائیل واقعی است.

بنابراین، اگر اینطور باشد، غیریهودیان نیز می توانند قوم خدا شوند، هم یهودی و هم غیریهودی. بنابراین به همین دلیل است که متی این تأکید غیریهودی را دارد تا نشان دهد که اگر عامل تعیین کننده اکنون عیسی مسیح است، پس غیریهودیان می توانند در سطح برابر با یهودیان قوم خدا شوند، زیرا اکنون دیگر حول شریعت و سایر نشانگرهای هویت یهودی متمرکز نیست. اکنون حول محور ایمان به عیسی مسیح متمرکز شده است.

بنابراین، غیریهودیان نیز شامل می شوند. بنابراین، عیسی با طرح این سؤال از شاگردان، گروهی از پیروان را فراهم می کند که در اطاعت از او پاسخ می دهند و مأموریتی را که عیسی برای شاگرد ساختن همه ملت ها آغاز کرد، انجام می دهند. اما در عین حال، او تعریف کرد که شاگرد یا پیرو مسیح چیست و تعلق به قوم خدا به چه معناست.

دیگر حول قانون و امتیازات و هویت یهودیان متمرکز نیست. این حول محور شخص مسیح است. و این برای درک تعدادی از اسناد دیگر در عهد جدید نیز مهم خواهد شد.

بسیار خوب. تا کنون سوالی دارید؟ این ما را به پایان متی می‌رساند. باز هم می‌خواهم صحبت کنم.

اولین گزش در یادداشت‌های شما، ملکوت خدا است که درک آن مفهوم بسیار مهمی است. در واقع، من معمولاً به کلاس خود می‌گویم، اگر همه چیز دیگری را که من می‌گویم فراموش کنید، که البته فراموش نمی‌کنید، اما اگر این کار را انجام دهید، باید بفهمید که منظور عیسی از تقدیم ملکوت خدا چیست، زیرا این به شما کمک می‌کند تا بسیاری از بقیه عهد جدید را درک کنید. اما هر سوالی به متی مربوط می‌شد تا موضوعات غالب به تصویر کشیدن مسیح، نحوه به تصویر کشیدن مسیح، رابطه مسیح با عهد عتیق، تمرکز بر عیسی، ملکوت خدا، که در یک لحظه در مورد آن صحبت خواهیم کرد، و سپس عیسی و شاگردی.

اینها برخی از موضوعات غالب هستند. تا کنون سوالی در مورد متی دارید؟ بنابراین، شما مطمئن هستید که مثلاً در یک آزمون یا چیزی شبیه به آن، می‌توانید به هر سوالی که در مورد متیو از شما می‌پرسد پاسخ دهید. فکر می‌کنم احتمالاً می‌توانید.

بسیار خوب. بنابراین، بیایید کمی در مورد ملکوت خدا صحبت کنیم. منظور عیسی از تقدیم ملکوت خدا چه بود؟ وقتی او گفت، توبه کنید، زیرا ملکوت خدا یا ملکوت آسمان نزدیک است، نزدیک است.

عیسی چه پیشکش می‌کرد؟ و اولین خوانندگان او، اولین خوانندگان متی و شنوندگان عیسی، وقتی برای اولین بار موعظه عیسی را می‌شنیدند، چه می‌کردند، چه می‌فهمیدند؟ چرا عیسی پادشاهی را تقدیم کرد؟ چرا او نیامد تا نجات از گناهان را تقدیم کند، که این کار را کرد؟ منظورم این است که او به آنها می‌گوید که توبه کنند، اما چرا عیسی برای موعظه نیامد، از گناهان شما توبه نکرد و باور نکرد که من برای تمام گناهان شما بر روی صلیب خواهم مرد و شما نجات پیدا خواهید کرد و زندگی جاودان خواهید داشت؟ چرا ملکوت خدا را تقدیم کرد؟ او چه پیشنهادی داشت؟ خب، برای درک این موضوع، باید کمی به عقب برگردید، در واقع، یک راه طولانی، در واقع، تا اولین کتاب کتاب مقدس، کتاب پیدایش. این نقطه شروعی برای درک ملکوت خدا است.

و اولین چیزی که باید قبل از نگاه کردن به آن بگوئیم، از طریق ملکوت است، وقتی در مورد ملکوت خدا صحبت می‌کنم، یا نه من، اما وقتی عیسی پادشاهی خدا را با ملکوت ارائه می‌دهد، عیسی در درجه اول به معنای سلطنت یا حکومت پویا خدا است. این اشاره ای به سلطنت قدرتمند خدا است. این اشاره به یک دوره زمانی یا مکانی مانند بریتانیا، یک منطقه ژئوپلیتیکی نیست.

منظور او از ملکوت، آنچه عیسی وقتی پادشاهی خدا را می‌گوید ارائه می‌دهد، سلطنت و حکومت خدا، سلطنت و حکومت قدرتمند خداست. این یک مفهوم پویا است، نه اشاره ای به یک دوره زمانی خاص یا یک مکان. بنابراین این اولین نقطه شروع است، که ما درک می‌کنیم که ملکوت به معنای سلطنت و حکومت فعال خدا در زندگی مردم است.

اکنون، پیشینه عهد عتیق. باز هم، مهم است که به فصل‌های 1 و 2 پیدایش برگردیم. و سپس من می‌خواهم خیلی سریع از این طریق عبور کنم. این یک دوره نظرسنجی عهد عتیق نیست، و من این را درک می‌کنم.

اما درک این نکته مهم است که تقریباً هر کاری که عیسی انجام داد، به ویژه در متی، ریشه در عهد عتیق دارد. و این به ویژه در مورد ملکوت خدا صادق است. پس به باغ عدن برگردیم.

در پیدایش فصل های 1 و 2، خدا بشریت را آفرید. یکی از چیزهای مهمی که در مورد دلیل این کار خدا می گوید، این است که چرا خدا آدم و حوا را آفرید. خوب، وقتی پیدایش فصل 1 می گوید، خدا می گوید، بیایید مرد و زن را به صورت خود خلق کنیم و بگذاریم آنها بر خلقت حکومت کنند. قصد خدا برای بشریت این است که آنها حکومت خواهند کرد، آنها حکومت خدا را نمایندگی خواهند کرد.

من آن تصویر را می پذیرم، شاید شما در عهد عتیق در مورد آن صحبت کرده اید، تصویر در درجه اول به این معنی است که بشریت باید منعکس کننده حکومت خدا و سلطنت بر زمین باشد. بنابراین جالب است وقتی این تصویر در پیدایش 1 و 2 ذکر شده است، در زمینه انقیاد بشریت است که زمین را تحت سلطه خود درآورده و بر آن حکومت می کند. بنابراین، خدا انسان را به صورت خود آفرید تا آنها نمایندگان خدا برای حکومت خدا باشند.

خدا پادشاه زمین است، اما بشریت به عنوان تصویر خدا باید آن قانون را منعکس کند، حکومت خدا را نمایندگی کند، و حکومت و جلال او را بر تمام زمین گسترش دهد. با این حال، همانطور که داستان پیش می رود، آدم و حوا در انجام این کار شکست می خورند، و گناه می کنند و از باغ عدن تبعید می شوند، و سپس بقیه کتاب مقدس، به یک معنا، داستانی است از اینکه چگونه خدا قصد اصلی خود را برای بشریت برای حکومت بر تمام خلقت، نمایندگان خدا، گسترش جلال و سلطنت بر تمام زمین بازمی گرداند. خوب، بعدی، اگر بتوانم یادداشت های شما را به پادشاه دیوید بپردازم.

ما قبلاً در مورد عهدی که خدا با داوود بست صحبت کردیم، که خدا کسی را خواهد داشت که برای همیشه بر تخت داوود بنشیند، که تخت داوود جاودانه و جاودانه خواهد بود. من متقاعد شده ام که دلیل این پیمان با داوود این است که خدا قصد خود را برای حکومت بشریت بر زمین برقرار و احیا می کند. او این کار را از طریق یک پادشاه داوود انجام خواهد داد.

بنابراین، دوباره، وعده ای که به داوود در مورد یک پادشاه داده شده است، فقط چیزی نیست که اسرائیل به یک پادشاه نیاز دارد، بنابراین خدا قول خواهد داد که همیشه پادشاهی در نسل داوود وجود خواهد داشت. این بخشی از برنامه خداوند برای بشریت است که بشریت بر تمام زمین حکومت خواهد کرد. ولی آنها این کار را نکردند، گناه کردند.

بنابراین اکنون راهی که خدا قصد خود را برای سلطنت بشریت، گسترش جلال خدا و سلطنت بر تمام زمین احیا می کند، با انتخاب پادشاهی از نسل داوود، یک مسیح موعود، است که حکومت خواهد کرد و در نهایت بر تمام زمین سلطنت خواهد کرد. بنابراین، پادشاه داوود، مسیح، وسیله ای است که خدا به وسیله آن اراده خود را از پیدایش 1 و 2 برآورده می کند که بشریت بر تمام زمین سلطنت خواهد کرد. حال، همانطور که متوجه می شوید، مشکل این بود که اسرائیل، به دلیل گناهانشان، اسرائیل و پادشاه هنوز هرگز به این هدف نرسیدند.

آنها به گناه و بت پرستی افتادند و تبعید شدند. بنابراین، ما کمی در مورد آن صحبت کردیم. اسرائیل به دلیل گناهشان در بابل و آشور تبعید شده است.

و یکی از سوالات، یکی از مشکلات این است که اکنون دیگر پسری بر تخت داوود وجود ندارد. یکی از چیزهایی که اسرائیلی ها نگران آن بودند یا در مورد آن تعجب می کردند، وعده های خدا در مورد پادشاه داوود چگونه؟ زیرا از طریق پادشاه بود که خدا بر تمام زمین حکومت می کرد و قصد خود را برای حکومت بشریت بر تمام

زمین بازی گرداند. بنابراین، در مورد وعده های خدا مبنی بر پادشاهی در نسل داوود چگونه؟ زیرا اکنون آنها در تبعید هستند، آنها در یک کشور خارجی هستند، هیچ پادشاهی بر تخت سلطنت نیست.

بنابراین اینجاست که پیامبران وارد می شوند. پیامبران عهد عتیق، اشعیا، حزقیال و ارمیا زمانی را پیش بینی می کنند که خدا بنی اسرائیل را با پادشاهی از نسل داوود که بر آنها حکومت می کند، به سرزمین خود بازگرداند. بنابراین دوباره، همه اینها بخشی از قصد خدا از پیدایش 1 و 2 است، که بشریت باید حکومت کند و حکومت خدا را بر تمام خلقت نمایندگی کند.

حالا خدا این کار را از طریق پادشاهی از نسل داوود انجام خواهد داد. بنابراین، پیامبران با پیش بینی زمانی که خدا قوم خود را احیا خواهد کرد و پادشاهی بر آنها حکومت خواهد کرد و در نهایت با تحقق پیدایش 1 و 2 بر کل زمین حکومت خواهد کرد، پایان می دهند. حال، به سرعت به متی پردازیم، پس منظور عیسی وقتی می آید و ملکوت خدا را تقدیم می کند، چیست؟ این مسیح موعود مورد انتظار داوود است که نه تنها بر اسرائیل حکومت خواهد کرد، بلکه بشریت را به سرنوشت خود برای حکومت بر تمام جهان خواهد رساند. و بنابراین، وقتی عیسی می آید و ملکوت خدا را تقدیم می کند، من متقاعد شده ام که این چیزی است که آنها انتظار دارند، این تحقق آن وعده است.

این پادشاه داوود است که بر ما سلطنت خواهد کرد، بر کل زمین حکومت خواهد کرد و بشریت را به هدف و سرنوشت مورد نظر خود هدایت خواهد کرد. حالا نوعی عنصر اضافی با آن وجود دارد. مشکل این است که به احتمال زیاد، دوباره به گذشته، و این به ما کمک می کند تا به چند سوال دیگر که می خواهیم به آنها نگاه کنیم، پاسخ دهیم، این است که وقتی به بحث ما در مورد پیشینه سیاسی و تاریخی فکر می کنید، مردم در قرن اول چه فکر می کنند وقتی می شنوند که وقتی عیسی می آید و می گوید، توبه کنید زیرا ملکوت خدا نزدیک است؟ و وقتی می شنوند که این شخصی است که مسیح نامیده می شود، پسر داوود، مردم به طور کلی به چه چیزی فکر می کنند؟ بله، درست است.

بله، این کسی است که می خواهد ما را از رم آزاد کند. باز هم، بسیاری از یهودیان خود را به دلیل گناه در تبعید می دانستند، و اکنون به اطراف نگاه می کنند و سزار به جای پادشاه و نسل داوود بر تخت نشسته است. این سزار بر تخت سلطنت است.

رم اساساً ابرقدرت روز است که بر همه چیز حکومت می کند. و بنابراین اکنون این شخص می آید که می گوید ملکوت خدا نزدیک است، و علاوه بر این، او را پسر داوود می نامند. آنها چه فکری خواهند کرد؟ این کسی است که در نهایت ما را از چنگال امپراتوری روم نجات خواهد داد.

این کسی است که با عصای آهنین بر دشمنان خود حکومت خواهد کرد، که پادشاهی خود را برپا خواهد کرد و ما را به سرنوشت مورد نظر خود برای گسترش حکومت و جلال خدا در سراسر خلقت می رساند. و بنابراین، می توانید ببینید که چرا، حداقل در ابتدا، عیسی توانست گاهی اوقات به این سرعت پیروان زیادی را جمع کند، زیرا اینجاست. ما تحت حکومت روم زحمت کشیده ایم.

و نه تنها این، اگر به یاد داشته باشید، فقط مدت کوتاهی در طول آن وجود داشت، ما کمی در مورد ریشه های تعطیلات هانوکا و دوره بسیار کوتاه رهایی از نفوذ خارجی صحبت کردیم. قبل و بعد از آن، یهودیان خود را در اسارت خارجی می بینند. و اکنون کسی می آید که وعده حکومت داوود را می دهد که مدت ها انتظار می رفت و مردم را از دست دشمنانشان آزاد خواهد کرد.

بنابراین دوباره، می توانید ببینید که چرا بسیاری از مردم اغلب به سراغ عیسی می آیند، زیرا این شخصی است که قرار است این کار را انجام دهد. مشکل این است که از یک طرف، در حالی که عیسی به وضوح آن

پادشاهی را ارائه کرد، در متی و انجیل های دیگر نیز روشن می شود که او آن را به روشی که آنها انتظار داشتند ارائه نکرد. در واقع، این خط در اینجا نشان دهنده چیزی است که اکثر یهودیان، مسیحیان یهودی، فکر می کردند، بسیاری از آنها، آنچه که اکثر یهودیان فکر می کردند، غرق در عهد عتیق بودند، آنچه که در عهد عتیق فکر می کردند، یعنی آنها در این عصر زندگی می کردند، این عصر کنونی، که اساسا زمانی بود که تحت سلطه شر و گناه و نفوذ خارجی و ظلم خارجی بود.

بنابراین آنها خود را در این عصر زندگی می دیدند و این تیر نشان دهنده آمدن ملکوت خدا است که عصر آینده را آغاز می کند. عصری که در آن خدا حکومت می کند، اساسا تحقق پیدایش 1 و 2 و وعده پادشاه داوود در دوم سموئیل و پیامبران است. بنابراین، خدا از زمین بازدید می کند و او از طریق مسیح موعود خود، پادشاهی خود را برقرار می کند و برای همیشه حکومت می کند.

باز هم، اشعیا فصل 9، متن معروفی که در کریسمس نقل می کنیم، این است که این پسر در خط داوود خواهد بود و او تا ابد حکومت خواهد کرد، سلطنت او پایانی نخواهد داشت. این به اینجا می آید، و سپس این عصر به پایان می رسد، پایانی قاطع، و ملکوت خدا عصر جدیدی از صلح و برکت را آغاز می کند. عصر پادشاهی خدا، جایی که خدا حکومت می کرد، و او بر زمین حکومت می کرد، و قومش سرنوشت خود را برای نمایندگی سلطنت خدا بر کل زمین به انجام می رساند.

بنابراین، این چیزی است که آنها به آن فکر می کردند. بنابراین، وقتی عیسی می آید و پادشاهی را تقدیم می کند، این چیزی است که آنها به آن فکر می کنند. اینجاست.

این عصر آینده است. نمی دانم آیا آنها همیشه لزوماً از این زبان استفاده می کنند یا خیر، اما این عصر آینده است. این پادشاهی است که مدت ها در انتظار آن بودیم که در آن خدا دشمنان ما را نابود خواهد کرد و این عصر صلح و برکت، و حکومت خدا و خلقت جدیدی را آغاز خواهد کرد.

بنابراین، این چیزی است که آنها فکر می کنند این اتفاق خواهد افتاد. با این حال، عیسی کاری کمی متفاوت انجام می دهد. عیسی، بله، عیسی پادشاهی را ارائه می دهد، اما جالب اینجاست که در دو قسمت خواهد آمد.

قرار نیست همه چیز به یکباره بیاید. قرار است در دو قسمت بیاید. اوه، از این بابت متأسفم.

به این شکل خواهد بود. این نشان دهنده عیسی است. این خط پایین نشان دهنده این عصر است و این خط بالا نشان دهنده عصر آینده، ملکوت خدا است.

اکنون وقتی عیسی می آید، این صلیب نشان دهنده مرگ او است، اما همچنین نشان دهنده زندگی، مرگ و رستاخیز او است. با آمدن عیسی، زندگی و مرگ و رستاخیز او، عیسی پادشاهی را ارائه می دهد، اما متوجه خواهید شد که این عصر را به طور کامل نابود نمی کند. این عصر ادامه دارد.

آن را به طور کامل ریشه کن نمی کند و به آن پایان نمی دهد. بله، در حال حاضر اینجاست. پادشاهی قبلاً وارد شده است.

عصر آینده فرا رسیده است. وقتی عیسی می گوید، توبه کنید، ملکوت اینجاست. این در حال حاضر رسیده است، اما به گونه ای می آید که این عصر کنونی را که تحت سلطه گناه و شر است و تحت سلطه روم است، از بین نمی برد.

در عوض، این در انتظار آمدن دوباره مسیح است، زمانی که مسیح باز خواهد گشت و پادشاهی خدا را به ارمغان خواهد آورد. او آن را به کمال می‌رساند و آن را به کمال و کامل خود می‌رساند. او در این عصر شرارت را از بین خواهد برد و پادشاهی ابدی خود را که برای همیشه ادامه خواهد داشت، برقرار خواهد کرد.

آیا همه این را می‌بینند؟ بنابراین، آنچه محققان اغلب می‌گویند، پادشاهی در حال حاضر در اینجا است، تا حدی، حتی اگر هنوز به طور کامل به اینجا نرسیده باشد. بنابراین، مفهوم در حال حاضر یا هنوز نه، برخی آن را فرجام‌شناسی افتتاح شده می‌نامند. یعنی پادشاهی آخر زمان که یهودیان فکر می‌کردند در یک رویداد به دست می‌آید، عیسی اکنون به دو رویداد تقسیم شده است.

تا حدی در اولین آمدن او اتفاق می‌افتد. به همین دلیل است که عیسی می‌تواند بگوید، ملکوت در حال حاضر اینجا است. مردان و زنان می‌توانند همین الان وارد ملکوت خدا شوند.

مردان و زنان می‌توانند سلطنت و حکومت خدا را از طریق پادشاه داوود، عیسی، همین الان تجربه کنند. با این حال، به گونه‌ای نرسیده است که شرارت را به طور کامل از بین ببرد و دشمنان خدا و دشمنان اسرائیل را کاملاً از بین ببرد. این به گونه‌ای نیست که به طور کامل یک خلاقیت کاملاً جدید را در پایان این عصر حاضر به ارمغان بیاورد.

تا حدی در انتظار روزی که به طور کامل فرا می‌رسد، می‌آید. این برای درک متی بسیار مهم است زیرا وقتی از طریق متی می‌خوانید، هر دو دیدگاه را پیدا می‌کنید. گاهی اوقات، در مورد ملکوت خدا می‌خوانید، و واضح است که حاضر است، در حال حاضر اینجا است.

اما در مواقع دیگر در متی، عیسی در مورد ملکوت خدا به عنوان چیزی که هنوز در آینده است صحبت می‌کند. چگونه می‌تواند هر دو باشد؟ به نظر می‌رسد این آن را توضیح می‌دهد. این پادشاهی آخر زمان هم اکنون به زمان حال رسیده است.

ما می‌توانیم پادشاهی آینده خدا را همین الان از طریق شخص مسیح تجربه کنیم. اما، ما هنوز کمال و پری و کامل بودن آن را تجربه نمی‌کنیم. این هنوز در انتظار آینده است.

بنابراین، تا حدی در حال حاضر اینجا است، اما هنوز به کمال خود نرسیده است. بنابراین، این در حال حاضر، اما هنوز نه. گاهی اوقات، مردم به شوخی می‌گویند که اگر من از شما سوالی بپرسم، و شما قبلاً بگویید، اما هنوز نه، حدود 80 درصد مواقع حق با شماست.

این ممکن است یک کشش باشد، اما در این عبارت، این منحصر به من نیست. این فقط یک اصطلاح رایج است که برای توصیف دیدگاه متی در مورد پادشاهی استفاده می‌شود. در مورد آن سوالی دارید؟ در واقع، این ایده در حال حاضر، اما هنوز نه.

این واقعیت که پادشاهی قبلاً رسیده است، تا حدی، اکنون می‌توانیم آن را تجربه کنیم. اما، هنوز نیست. هنوز در کامل بودن و پری و کمال خود نیامده است.

این برای درک بقیه عهد جدید، تا کتاب مکاشفه مهم است. اگر این را درک کنید و این را درک کنید، می‌توانید بسیاری از مکان‌های دیگر عهد جدید را درک کنید، که در ابتدا گیج‌کننده به نظر می‌رسند. سوالی دارید؟ من می‌خواهم مطمئن شوم که شما این را دریافت می‌کنید.

این مهم است. این ایده از ملکوت، سلطنت خدا، در تحقق وعده های داوود. باز هم ، که یهودیان فکر می کردند در یک اقدام قاطع انجام می شود.

عیسی اکنون آن را به دو عمل تقسیم می کند. ورود پادشاهی در اولین آمدن او، که آمد، اما فقط تا حدی. قبلاً اینجا بود، اما هنوز به طور کامل به دست نیامده بود.

بدیهی است که ما در این دوره زندگی می کنیم. باز هم، این نمودار به ما نمی گوید کجا می توانم بگویم کجاست، کجا در این خط زندگی می کنیم. این فقط برای نشان دادن این است که قوم خدا بین زمان عصر شیطانی کنونی زندگی می کردند، اما ملکوت خدا نیز وجود دارد.

زیرا این کاری بود که عیسی انجام می داد. من آمدم تا پادشاهی مورد انتظار را که از طریق داوود وعده داده شده بود، ارائه دهم. در حال حاضر اینجاست.

مردان و زنان می توانند وارد آن شوند و اکنون قبل از تجلی کامل، کمال آن، که در آینده اتفاق خواهد افتاد، آن را تجربه کنند. بنابراین، پادشاهی در حال حاضر است، اما هنوز نیست. هنوز نرسیده است.

راه دیگر برای نگاه کردن به آن، این فلش را می توان گسترش داد. به عبارت دیگر، دوباره، آنچه دیدید در یک رویداد باشکوه اتفاق می افتد. اکنون به دو رویداد جداگانه تقسیم می شود.